



.... مجاهدین بعد اشغال عراق دنبال ایجاد یک جبهه سنی در عراق که مخالف ایران بودند بود و در این راستا از حزب اسلامی و بازمانده های حزب بخت برهبری عزت ابراهیم و بقیه شخصیت های عراقی و عشایر عراق حمایت و آنها را نیروی مقاومت بر علیه اشغالگری میدونست پایه های جنگ های داخلی عراق را پایه ریزی کردند و حرفش هم این بود که جلورژیم ایران گرفته شود و در این راستا بر علیه مملکتی هر اقدامی که میتونست انجام داد تاجایی که مخالفین دست به سلاح بردند زمینه سیاسی و هماهنگی ها انجام شده بود و وقتی حملات شروع شد مجاهدین آنها را انقلابیون عشائرنامیدند

....

سیاست یا دیپوزگی : قسمت دوم

در باره عراق مفصل بعدا خواهیم پرداخت در این قسمت فقط به جنگ داخلی ان و حمایت مجاهدین از جنگ داخلی اشاره میکنم ولی یادآوری میکنم که مجاهدین بعد اشغال عراق دنبال ایجاد یک جبهه سنی در عراق که مخالف ایران بودند بود و در این راستا از حزب اسلامی و بازمانده های حزب بخت برهبری عزت ابراهیم و بقیه شخصیت های عراقی و عشایر عراق حمایت و آنها را نیروی مقاومت بر علیه اشغالگری میدونست و رابطه آنها را با نیروهای امریکایی در جلسات متعدد سه جانبه برقرار کرد یعنی پایه های جنگ های داخلی عراق را پایه ریزی کردند و حرفش هم این بود که جلورژیم ایران گرفته شود و در این راستا بر علیه مملکتی هر اقدامی که میتونست انجام داد تاجایی که مخالفین دست به سلاح بردند زمینه سیاسی و هماهنگی ها انجام شده بود و وقتی حملات شروع شد مجاهدین آنها را انقلابیون عشائرنامیدند و تماما از عملکرد آنها حمایت کرد و چرایی انهم این بود که وقتی اینها قدرت را بگیرند قرار است که ما سلاحهای خود را بدست بیاوریم البته علاوه چینی قولی داده بود در صورت پیروزی بمجاهدین سلاح بدهد در هر صورت بنده گزارشی برای فرمانده خودم نوشتم و گفتم

وقتی یک حزب و گروهی را بعنوان نیروی انقلابی نام میبریم شرایطی داره و همیشه هرکسی را انقلابی قلمداد کرد

نیروی انقلابی ایدئولوژی تدوین شده و مشخص داره و سیاستهایش را براساس آن که نیروی مردمی و آزادی خواه و خواهان برابری باشد و ووو پیش میرد ایا عشائرعراق اینطوری هستند خیرنیستند

نیروی انقلابی قبل ازهرچیزی بازمان حرکت میکند اینها هنوزدرعشیره و تعصبات آن گیرهستند چطورمیشود هم طایفه ای و عشیره ای بود هم انقلابی باهم همخوانی ندارد

سیاست و برنامه اینها چیست که بشود براساس آن از آنها حمایت کرد چون برنامه مشخص ندارند و هرکدام از کشورهای حمایت میشوند در نتیجه سیاستهای همان کشورها را اجرا و مملکت عراق را بنا بپودی میکشاندند

همان طور که قبلا نوشتم و در نشستهای متعدد بنده مخالف ورود به اوضاع عراق بوده و اندر دخالت در مسائل داخلی عراق میدونم که دود آن قبل از هر کسی بچشم ما می رود بخصوص اینکه دیگه سیاسی نیست و جنگ داخلی ست

اینها هم هرگز پیروز نخواهند شد یعنی رژیم خمینی نمیگذارد و اگر فکر میکنید شیعیان سکوت و میگذارند دوباره اهل تسنن مثل سابق با آنها رفتار کنند اشتباه میکنید هر چه در هم با رژیم خمینی اختلاف داشته باشند ولی از خونه وزن و فرزند آن خود دفاع و راه انقلابیون عشائری قبول شما را سد میکنند و این جنگ در بهترین شرایط که بنفع ما باشد و سلاح بدست بیاوریم تقسیم عراق است که میشود خواسته آمریکا و ریل نظم نوین جهانی که در این صورت ما در قسمت سنی نشین که هیچ مرزی با ایران ندارد مانده و سلاح هیچ کارایی ندارد این در شرایطی ست که آمریکا به آنها اجازه بدهد که به ما سلاح بدهند که هرگز اجازه نخواهد داد همانطور که قبلا نوشتم و گفتم دادن سلاح بما توسط آمریکا نقض اصول اعلام شده استراتژی امریکاست اگر تماما نوکر بشوی شاید بدهد

متاسفانه بجای گویش دادن دوباره انواع مارکها و جو سازیها بر علیه ما شروع شد که ما ضد سیاستهای رهبری قدم بر میداریم با حرفهایم زهر پراکنی در مناسبات میکنم خودم را رهبر و سیاست فهم میدونم اپوزیسیون رهبری هستم در همه سرفصلها سازمان مخالف میزنم و وووو البته بگذریم که چماق دارها و قداره بندان رهبر عقیدتی در هر نشست و پیش هر کس در پنهان و آشکار چه خصوصی و چه با دستورات تشکیلاتی ما را سکه یک پول و بقول خودشان شب و روز لجن مال میکنند و خط و نشان میکشیدند که بگذار از این شرایط سخت که دست رهبری زیر تیغ است عبور کنیم و حساب شماییان که مستمر در پهلوی رهبری خنجر فرو میکنند را خواهیم رسید جواب منطق و حرفهای درست که درستی آنها دهها بار به آنها ثابت شده و در صحبت هیچ حرفی و جوابی برای گفتن نداشتن در پشت خط و نشان میکشیدند و تهدید میکردند جنگ هر روز شعله و رتر میشد و دامنه اش به بغداد رسید و قسمت اعظم بغداد را تسخیر کردند و ما که در لیبرتی بودیم آنها در عامریه و اعظمیه یعنی پشت دیوارهای لیبرتی بودند و مسئولین سازمان هم نوید بدست آوردن سلاح میدادند و خود را آماده میکردند با بهترین گویم در هماهنگی و تماس نقشه بر این بود که آنها به پشت دیوارهای لیبرتی رسیدند نیروهای سازمان از داخل دیوارها را با ماشین خراب و راه ورود آنها را به فرودگاه بغداد باز و آنها به ما سلاح رسونده و هم دوش با دولت عراق وارد جنگ وان را سرنگون کنیم البته عمومی نمیگفتند و به بنده هم خبرهایش از نشست مسئولین بدست می رسید ولی همین فضا و جو را در بین نیروها

بوجود آورده بودند یک روز که شورشیان تقریباً به پشت دیوارلیبرتی رسیده بودند فرمانده ام خصوصی صحبتی با من کرد که نظرت چیست الان چه میگوئی جواب دادم همان حرفهای قبلی اینها هرگز موفق به تسخیر بغداد نخواهند شد اگر هم وارد فرودگاه شوند و ما با آنها همراهی کنیم بدونید که در همین فرودگاه گورخود راکنده ایم یعنی پیام رارسوندیم که از خط وخطوطی که در پیش گرفته شده خبردارم و کیسه گشاد و مفت برای نیروها ندوزید نهایت این کار راه به تروریسم و بهم ریختن خون ملت و آواره شدن آنها میرد بعد سوریه نوبت عراق شده که ویرانش کنند من در این دامها نمیافتم و کار سازمان را هم غلط و نادرست میدانم راه درست حمایت از همین مالکی و بشاراسد است یا هرکس جای آنها باشد نه بخاطر خود آنها که دیکتاتور بودن آنها محرز و معلوم است برای نجات منطقه و جلوگیری از کشتار و آواره گی ملتها و تجزیه کشورها شک نکنید اگر پیرویشوند بعدی نوبت ایران و تکه تکه کردن کشور ما و کشتار و ویرانی ست باید مسولانه برخورد و وارد این بازیها نشد و بی طرفی و سکوت بهترین برای ما است که گفت چون دوستانه باهاست صحبت کردم سعی کن نظرات خودت هر چه قدر هم درست باشه را بگذاری کنار و برای پیش برد خط خودت با سازمان تنظیم کنی و در شرایط مناسب حرفها را دنبال کنی که جواب دادم هرگز به نتیجه نمی‌رسیم

بله حرفها را زدیم مارکها را خوردیم تهدید های شبانه روزی شدیم ولی متاسفانه مثل همیشه مرغ اقای رجوی یک پا داشت در سوریه تروریسم و داعش را ارتش ازاد قلمداد کرد و در عراق هم انقلابیون عشائرو با دخالت و تحریک و زمینه سازی و هماهنگی با همین شورشیها دستش را در خون ملت عراق فرو برد و در ویرانی و آواره گی و بدبختی مردم نقش بازی کرد نتیجه سیاست و تحلیل های غلط بهتر از این نخواهد شد بخصوص وقتی که مثل اقای رجوی فقط خود را میبینی و حاضر نیستی ذره ای به حرفهای دیگران گوش بدهی که حداقل بینی چی میگویند نتیجه اینگونه سیاستها در درون خودش الان است که می بینید که خودش بحثهای جداگانه ایست نمیشود که هم ادعای انقلابی داشته باشی و هم از این داستانها حمایت کنی نتیجه اینگونه سیاست نهایتش غلطیدن در دام بیگانه و در درون فروپاشی را دنبال دارد که در آینده بیشترین این دو مورد پی خواهیم برد ادامه دارد

علی شیرزاد: اروپا